إلاّ

- وجوه استعمالی
  - **علی أربعة أوجه**
    - استثنائیه
      - **أحدها**
        - **أن تکون للاستثناء**
          - پررسی مستثنی از حیث اعراب
            - استثناء
              - (تام(مستثنی منه در کلام مذکور است
                - موجب(جمله ی مثبت
                - واجب النصب(چه متصل و چه منقطع
                - جاء القوم إلا زیداً
                - فَسَجَدَ الْمَلائِکَةُ کُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ إِلَّا إِبْلِیسَ
                - غیر موجب (منفی یا استفهام انکاری
                - متصل (مستثنی جزء افراد مستثنی منه است
                - جایز الوجهین
                - نصب بنا بر استثناء
                - ما جاء القوم إلا زیداً
                - بدل از مستثنی منه (بهتر است
                - ما جاء القوم إلا زیدٌ
                - منقطع(مستثنی جزء افراد مستثنی منه نیست
                - واجب النصب(اکثر عرب
                - ما جاء القوم إلا حماراً
                - جایز الوجهین(بنی تمیم
              - (مفرغ(مستثنی منه در کلام مذکور نیست غیر موجبه
                - به حسب عوامل
                - ما رأیتُ إلا زیداً
                - ما جاء إلا زیدٌ
          - مثال
            - **(نحو قوله تعالی: (فَشَرِبُوا مِنْهُ إِلاَّ قَلِیلاً مِنْهُمْ)(البقرة / ۲۴۹**
              - مستثنی در استثناء تامّ متصل موجب واجب النصب است
            - **و قول الإمام علی بن الحسین (علیهما السلام): «و تقیهم طوارق اللیل و النهار إلاّ طارقاً یطرق بخیر**
              - مانند مثال قبل مستثنی در استثناء تامّ متصل موجب است
              - ترجمه
                - و آنها را از حوادث شب و روز مگر حادثه ای که در آن خیر باشد حفظ نمائی
            - **و انتصاب ما بعدها فی المثالین و نحوهما بها علی الصحیح**
              - نکته درباره ناصب اسم مابعد إلّا
                - ازهری در کتاب التصریح علی التوضیح ج1ص541 هشت قول در ناصب مستثنی ذکر نموده است که 4 قول مشهورتر را اینجا می آوریم
                - ابن مالک و ابن هشام
                - إلا
                - ذکر دلیل توسّط دمامینی و مرحوم رضی
                - دلیل بر ناصب بودن إلّا این است که استثناء که مقتضی اعراب است قائم به إلّا است و عامل آن چیزی است که مقتضی اعراب قائم به آن باشد و مرحوم رضی ج2ص8 تکمیل این دلیل را اینگونه تکمیل نموده است: زیرا إلّا نائب از أستثنی است مانند "یا" که نائب از أنادی است
                - سیرافی و فارسی
                - فعل مذکور قبل از إلا به واسطه إلّا
                - ابن خروف
                - فعل مذکور قبل از إلّا بدون واسطه إلّا
                - زَجّاج
                - فعل مقدّر استثنیتُ
            - **(و نحو: (ما فَعَلُوهُ إِلاَّ قَلِیلٌ مِنْهُمْ)(النساء / ۶۶**
            - **و ارتفاع ما بعدها فی هذه الآیة و نحوها**
              - نکته درباره علّت رفع اسم مابعد الّا
              - دو قول
                - **علی أنّه بدل بعض من کل عند البصریین**
                - **و علی أنّه معطوف علی المستثنی منه و «إلاّ» حرف عطف عند الکوفیین**
                - نوع إلّا بنابر قول کوفیین
                - و هی عندهم بمنزلة «لا» العاطفة فی أنّ ما بعدها مخالفٌ لما قبلها، لکن ذاک منفی بعد إیجاب و هذا موجبٌ بعد نفی.
  - **أن تکون بمنزلة «غیر»**
    - وصفیه
      - **الثانی**
        - نکته از رضی ج۲ ص۱۲۵
          - اصل در إلّا استثنائیه بودن و اصل در غیر وصفیه بودن است امّا گاهی هر کدام بر خلاف اصل به معنای مقابلشان می آید ولی استعمال غیر به معنای إلّا از استعمال إلّا به معنای غیر بیشتر است زیرا تصرّف در اسماء بیشتر از تصرّف در حروف است
        - ویژگی موصوفش
          - **.فیوصف بها و بتالیها جمعٌ منکر أو شبهه**
            - توضیح "بها و بتالیها
              - یعنی صفت کلّ إلّا با مدخولش می باشد که اعراب نیز در جزء دوّم ظاهر می شود
            - دلیل از صبّان ج2ص156 بر
              - لزوم جمع بودن موصوف
                - به خاطر مراعات اصل إلّا که استثنائیه بودن باشد و مستثنی منه باید عامّ باشد
              - لزوم نکره بودن موصوف
                - به خاطر مراعات معنای ألّای وصفیه زیرا این إلّا به معنای غیر است و غیر از اسماء نکره متوغلة فی الابهام است و باید موصوفش نکره باشد
            - دمامینی:توضیح "شبهِهِ
              - مراد، یکی از دو چیز است
                - جمع معرّف به أل جنس که شبیه به نکره است به خاطر اینکه معرّف به ال جنس معنا نکره است
                - نکره مفرده ای که در معنای جمع باشد مانند لفظ کلّ
        - مثال
          - فمثال الجمع المنکر: لَوْ کانَ فِیهِما آلِهَةٌ إِلاَّ اللهُ (لَفَسَدَتَا / الأنبیاء) (22)
            - مثال برای جمع نکره
            - توضیح علّت منع استثنائیه بودن إلّا در این آیه
            - فلایجوز فی «إلاّ» هذه أن تکون للاستثناء
              - دو مشکل
                - مشکل معنوی
                - **من جهة المعنی، إذ التقدیر حینئذ: لو کان فیهما آلهة لیس فیهم الله لفسدتا**
                - تالی فاسد این معنا
                - **و ذلک یقتضی بمفهومه أنه لو کان فیهما آلهة فیهم الله لم تفسدا، و لیس ذلک المراد**
                - مشکل لفظی
                - **و لا من جهة اللفظ**
                - دلیل
                - **لأنّ «آلهة» جمع منکر فی الإثبات، فلا عموم له فلایصح الاستثناء منه، فلو قلت: قام رجال إلاّ» زیداً» لم یصحّ اتفاقاً**
                - اشکال دمامینی
                - این مطلب اتفاقی نیست زیرا کسانی مانند مبرّد مخالف این شرطند
                - شمنی و امیر در مقام توجیه
                - قول به مخالف آنقدر ضعیف بوده که مصنف آن را اصلا به حساب نیاورده
                - دمامینی به نقل ازمخشری در کشّاف گفته است که گاهی نکره در جمله مثبت با وجود مقتضی دلالت بر عموم می کند و به آیه قالوا إنّا ارسلنا إلی قوم مجرمین إلّا آلَ لوطٍ إلّا در این آیه استثنائیه است به دلیل نصب آل زیرا اگر وصفیه بود باید آل مجرور می شد بنابراین إلّا استثنائیه است منتها استثناء در این آیه، استثناء منقطع خواهد بود یعنی آل لوط تخصصا خارج است نه تخصیصا
                - جامع الدروس ج3 ص136
                - اگر الّا استثنائیه می بود نصب "الله" واجب بود زیرا نصب مستثنی در کلام تامّ متصل موجب واجب است
            - نتیجه
              - **.و لمّا لم یجز ذلک، دلّ علی أنّ الصّواب کون «إلاّ» و ما بعدها صفة**
        - مثال
          - مثال برای شبیه به نکره
            - **و مثال المعرف الشبیه بالمنکر: قول ذی الرّمة: أنیخت فألقت بلدةً فوقَ بلدة قلیل بها الأصواتُ إلاّ بُغامُها**
              - دلیل شبیه به نکره بودن
                - **فإن تعریف «الأصوات» تعریف الجنس**
              - دلیل بر وصفیه بودن إلّا
                - زیرا مستثنی در استثناء تام موجب متصل باید منصوب گردد نه مرفوع
                - توجیه مرحوم رضی ج2 ص129
                - کلام غیر موجب است زیرا قلیل متضمن معنای نفی است و همین مقدار برای غیر موجب بودن کافی است
                - شاهد از کتاب جامع الدروس ج3 ص131
                - گاهی نفی در کلام، نفی معنوی است مانند: یأبی الله إلّا أن یتمّ نوره و لو کره المشرکون
          - مثال شبه جمع
            - **و مثال شبه الجمع: قوله و کلّ أخ مفارقه أخوه لعمر أبیک إلاّ الفرقدان**
              - فرقدان: دو ستاره قطبی هستند که با هم ایجاد شده اند و با هم دیده می شوند
  - عاطفه
  - زائده

إلا